



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تجربہ نبوی و تاریخ

مصطفیٰ سلطانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجربه نبوی و تاریخ

نویسنده:

مصطفی سلطانی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ تجربه نبوی و تاریخ
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۷ اصطلاح وحی
۷ تعریف تجربه دینی
۸ پیشینه بحث (تاریخچه وحی)
۹ پیشینه وحی در غرب
۹ اشاره
۹ دوران جاهل و تنفر
۹ دوران توجه و تردید
۹ دوران تحقیق و تجلیل
۱۰ دوران تفهیم و تقریب
۱۲ پاورقی
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تجربه نبوی و تاریخ

مشخصات کتاب

عنوان: تجربه نبوی و تاریخ

پدیدآورندگان: مصطفی سلطانی (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: راه وحی

وحی و تجربه دینی

الهام

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: , ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی

شناسه: [oai:tebyan.net/۴۵۲۲](http://oai.tebyan.net/۴۵۲۲)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

مقدمه

وحی و نبوت در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. تا آن جا که اساس آموزه های دینی و منبع معارف است. به تعبیری در اسلام و نزد دانشمندان اسلامی قرآن به عنوان تبلور وحی محمدی بااهمیت ترین موضوع است. از این رو از آغاز نزول مورد عنایت دین پژوهان، مورخان و اهل اندیشه بوده است. کنکاش در قلمرو وحی سبب طرح مباحثی پیرامون این پدیده شده که عمدتاً در کتب تاریخ، حدیث و علوم قرآنی مطرح است. از جمله مباحث مهم در عرصه قرآن پژوهی، مسئله وحی و چگونگی رویارویی پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) با آن است. حقیقت و سرشت وحی کدام است؟ آیا وحی نازل بر رسول(صلی الله علیه وآله وسلم) همان بود که در قالب الفاظ به امت ارائه شد؟ دیدگاه کلام جدید در این باره چیست؟ در عرصه دین پژوهی پاسخ های متفاوتی نسبت به این پدیده مطرح شده است. این پاسخ ها در سده های اخیر در قالب دیدگاه هایی مطرح شده است. در مجموع می توان

گفت: در عقلانیت جدید و عصر مدرنیته دو تفکر نسبت به وحی شکل گرفت. الف) دیدگاهی که نافی وحی بود. (تجربه دینی) در این اندیشه وحی با تجربه پیامبر و حالات درونی او یکی است. چرا که وحی عنوانی برای مواجهه است. ب) دیدگاهی که حقیقت وحی را پذیرفت و نظریه افعال گفتاری یا وحی گفتاری را مطرح کرد. طرفداران این نظریه معتقدند وحی سرشت زبانی دارد. و خدا در این ارتباط زبانی افعال گفتاری انجام داده است. هر چند بنظر می رسد این دیدگاه به این دلیل که معنی و لفظ، حتی ساختار و نظم قرآن را از خداوند می داند، مطابقت بیشتری با وحی اسلامی داشته باشد. اما دین پژوهان رویکرد متفاوتی نسبت به این دیدگاه ارائه دادند بطوریکه عده ای از محققان حوزه دین وحی گفتاری را نپذیرفتند. از نظر آنان وحی حقیقتی خارج از ذات رسول ندارد. بلکه از نفس رسول نشأت گرفته است. این گروه در قالب سه تئوری به بحث وحی پرداختند. مقابل پیش رو در بخش پایانی ضمن طرح دیدگاه آنان به ارزیابی نظراتشان از منظر تاریخی - کلامی می پردازد.

اصطلاح وحی

تعاریف ارائه شده برای وحی حقیقی نیست. باید اقرار نمود که تعریف ماهیت و حقیقت وحی تا کنون برای انسانها چندان امکان پذیر نبوده است. از این رو تعریفهای ارائه شده عمدتاً شرح الاسمی است. لذا برای انس ذهن با مفهوم وحی ارائه دیدگاه عده ای از دانشمندان مفید است. ابن عربی می گوید: الوحی انزال المعانی المجرده العقلیه فی القوالب الحسیه المقیده فی حضره الخیال فی نوم کان او یقظه [۱] وی در موضع دیگری در مقام تعریف وحی می گوید: وحی همراه با سرعت است و این معنا در اشاره مأخوذ وحی دال بر نوعی سلطنت و حکومت در نفس است [۲] علامه طباطبایی می گوید: وحی شعور و درک ویژه پیامبران است. که دسترسی به آن جز برای آحادی از انسانها که مشمول عنایات الهی قرار گرفته اند میسر نیست و در جای دیگر می گوید: وحی امری خارق العاده است، از قبیل ادراک باطنیه شعور مرموزی که از حواس ظاهر پوشیده است. محمد فرید وجدی می گوید: وحی، تعلیم امور دین به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از ناحیه خدا، به واسطه ملائکه را گویند. محمد رشید رضا می گوید: وحی نوعی عرفان است که شخص در نفس خود با واسطه یا، بی واسطه آن را می یابد و یقین دارد، از جانب خداست. زرقانی می نویسد: وحی در لسان شریعت عبارتست از اینکه خداوند متعال آنچه اراده تعلیم نموده را به نحو سرّی و پنهانی به بندگانش اعلام نماید. بادقت در تعاریف ارائه شده می توان به این حقیقت رسید که در این تعاریف حقیقت وحی بیان نشده بلکه به شرح الاسم اکتفا شده است. شاید جامع مجموعه سخنان فوق در تعریف وحی چنین باشد. وحی حقیقتی است که: الف) از منبع غیر انسانی صادر شده و انبیاء از طریق باطن و درون خود آن را دریافت می کردند. ب) از اراده و علم رسول و اجتهاد او خارج و با تعلیم از قوه مافوق بشری برای رسول حاصل می شود. ج) رسول یقین به مبدأ نزول و طریق آن دارد و می داند که از جای دیگری به او افزوده می شود. تذکر این نکته ضروری است که ضرورتی در درک حقیقت و کنه و ماهیت وحی احساس نمی شود. به جهت اینکه حقیقت وحی حالتی است مخصوص پیامبران که فراتر از قلمرو فهم و عقل است. از اینرو مامکلف به درک آن نیستیم هر چند ایمان به آن لازم است. بهترین راه برای درک مفهوم وحی، توجه به موارد استعمالش در قرآن است. چرا که فهم مفهوم وحی از طریق بحثهای لغوی هم میسر نیست، از این رو که واژه «وحی» در عرف عام مورد استعمال نداشته است. آری در علم لغت معنی نزدیک به معنای واقعی ارائه می شود از اینرو جستجو در معنای لغوی می تواند ما را در فهم معنای حقیقی وحی یاری دهد. به همین دلیل است که کتبی که درباره وحی بحث می کنند، در مقام بیان سرشت وحی معمولاً به موارد استعمال این لفظ در قرآن اشاره می کنند.

تعریف تجربه دینی

واژه تجربه در اینجا دارای معنای مخصوصی است که از سوی برخی از فلاسفه دین تبیین شده است به نظر - هرد - مراد از تجربه

آگاهی بی واسطه از مقام الوهیت است. در این بیان تجربه - درواقع نوعی (مواجهه) یا (آگاهی بی واسطه) است. تجربه، گویانوعی رهیافت روحی و گونه‌ای درگیری مستقیم و آگاهی درونی از یک موضوع و وضعیت می باشد. که از ویژگیهای زیر برخوردار است. ۱) تجربه دریافت زنده و پویایی است و متن حادثه هرگز برای فاعل تجربه فراموش نخواهد شد. ۲) تجربه به انسان احساس «همدلی» می دهد. فردی که در متن حادثه بوده است فرد مشابه خود را خوب درک می کند. ۳) تجربه آزمایش شخصی و غیر قابل انتقال به غیر است. بحث تجربه دینی گستره وسیعی دارد از این رو شامل تجربه اخلاقی، زیباشناختی، دنیامداری و تجربه دینی می شود. حال سخن اینست که یک «تجربه» چگونه دینی می شود. گفته شده است که تجربه در صورتی صبغه دینی می یابد که: اولاً متعلق آن موجودی فوق طبیعی باشد. ثانیاً فاعل آن در توصیف حالات و تجارب خود از مفاهیم دینی بهره ببرد. چنین تجربه‌ای دینی بوده و رویکردهای متفاوتی خواهد داشت. یکی از این رویکردها در محدوده «ایمان» است. رویکرد دوم در حوزه «کثرت گرایی (پلورالیسم) دینی» است. رویکرد سوم به مسئله «صدف و گوهر دین» مرتبط می شود. رویکرد چهارمی که وجود دارد در رابطه با «وحي» است. برخی از فلاسفه دین بر این باورند که «وحي» چیزی جز یک حالت تجربی نیست که برای شخص نبی رخ داده است. از این رو، تجربه وحیانی و نبوی می تواند تعمیم یافته، دیگر انسانها را در رتبه‌ای نازل تر شامل شود... با توجه به پیچیدگی مباحث و گستردگی آن بهتر است به موضوع تجربه دینی بپردازیم. و از آنجا که شناخت پیشینه بحث سهم بسزایی در تبیین و فهم هرچه بهتر از آن دارد. در این جا بنحو بسیار مختصر نگاهی به پیشینه وحی در ادیان آسمانی و غرب خواهیم داشت.

پیشینه بحث (تاریخچه وحی)

پدیده وحی و نبوت، تاریخی به اندازه تمدن بشری دارد. امتی در جهان نبوده که در آن پیامبر و انذارگری ظهور نکند. و ان من امة الا خلافيها نذير. قرآن تداوم وحی و نبوت را ناشی از سنت الهی می داند. یعنی سنت هدایت که از سنن حاکم بر جهان هستی است ایجاب می کرد تا بعثت انبیاء تداوم داشته باشد. به گواهی تاریخ مردمان جاهلیت با الهام و غیب آشنا بودند. در نظر آنها کاهن نظرش را از طریق الهام می گیرد. الهام او از «تابع» یا «ربی» است که از غیب سخن می گوید. آنها غیر از کاهن اصطلاح دیگری بنام «عراف» داشتند. یهودیان نیز به وحی آگاهی داشته اند، بدانجاکه عده‌ای بدان گرویده بودند. از اینرو در کتب مقدس یهود و نصاری نیز وحی مورد استناد انبیا واقع شده است. در بسیاری از اوقات در عهد عتیق از نزول الهام و وحی الهی به «نزول روح خدا» تعبیر شده است. در دیدگاه آنان شریعت و کلام الهی را «یهوه صباوت» با روح خود بواسطه انبیا می فرستد. کلمه وحی بارها در تورات آمده است. گاهی مستقیم و بی واسطه، نبی دعوت به نبوت می شود، گاهی وحی با واسطه بر نبی نازل می شود. در هر حال، روح خدا بواسطه نبی متکلم می شود. و کلام خدا بر زبان نبی جاری می شود. بعد از نزول وحی خداوند کلامش را حفظ می کند، تا بر زبان نبی جاری شود. در مسیحیت نیز مسأله وحی مطرح بوده است. در وحی مسیحی میان عنصری بشری و الهی جمع می شود. به عقیده آنان ملهمات الهی لباس بشری می پوشد تا مفهومش به مردم ابلاغ شود. شریعت در منظر مسیحیان گاهی از طرف فرشتگان ابلاغ می شوند و زمانی از طرف خود یهود از اینرو معتقدند که تمامی کتب از الهام خداوند است. و در نهایت حتی زرتشتیان نیز اعتقاد به سروش ایزدی و پیام آور الهی داشته اند. در گاتاها، قدیمی ترین اثر مذهبی زرتشتیان خبر از آغاز پیامبری زرتشت است. امشاسپند بهمین «و هومن خرد هستی و نماینده منش نیک» در پاسخ «آشا» «سامان و هنجار هستی» می گوید: «یگانه کسی که من اینجا شناخته ام و فرمانهای مرا بکار می بندد «زرتشت اسپنتمان» است. اوست که خواهان آنست که سرودهای ستایش مزدا آئین راستی را برافرازد. از اینرو ما به او شیوایی سخن می بخشیم. روان جهان که از ستم و تباهی و ویرانی و زور، فریاد بر آورده بود از این گزینش خشنود و خرسند می گردد. و جالب است که در تلمود می نویسد: از آنجا که ملت اسرائیل امانت دار وحی و الهام الهی بود افرادی از این قوم به عنوان پیامبر خدا برگزیده شدند، لیکن این امر تنها به ایشان اختصاص نداشت. «هفت پیامبر برای بت پرستان نبوت کردند و

ایشان عبارت بودند از بیلعام، یعور پدر بیلعام، ایوب و چهار دوست او، آری عدالت خدا ایجاب می‌کند تا برای بت پرستان هم پیغمبرانی بفرستد. میدارش، آیه ۳۲ از سفر تثنیه که می‌فرماید: آفریدگاری که اعمالش کامل می‌باشد زیرا که همه طریقت‌های او انصاف است، را چنین تفسیر می‌کند. خداوند حجت را بر جهانیان تمام کرد تا در جهان آینده به خدا اعتراض نکنند... همانطور موسی را بر بنی اسرائیل گماشت، بیلعام را پیغمبر بت پرستان قرار داد.

پیشینه وحی در غرب

اشاره

دین پژوهان غربی جایگاه ویژه‌ای برای عقل قائلند، بدانجا که عقل را مهمترین منبع کشف حقایق دینی و معنوی قلمداد می‌کنند. غربی‌ها و از جمله دانشمندان آنان (از روم شرقی گرفته تا اروپای قرون وسطی و معاصر و آمریکا) در حاشیه روابط نظامی و اقتصادی و سیاسی که با ممالک اسلامی داشته‌اند، بر مبنای عقل‌گرایی محض خود رویکرد خاصی درباره اسلام و مسائل مربوط به آن خصوصاً وحی و نبوت داشته‌اند. برخورد آنها نسبت به وحی و نبوت را می‌توان در چهار دوره ارائه نمود.

دوران تجاهل و تنفر

این دوره با بی‌اطلاعی کامل همراه بود. آنان از آغاز برخورد با روم شرقی در قرن هفتم میلادی تا سالها بعد از جنگ‌های صلیبی نظرات عجیبی درباره حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) ابراز داشتند. در تمام این دوران تهمت‌های فراوانی به حضرت زدند. در قرون وسطی جهالت تا آنجا سایه گستر شد که یک اسقف رومی را بعنوان مؤسس اسلام می‌شناختند. پاپ اینوسان سوم پیغمبر ما را دجال می‌نامد - ژیر و نوژان - می‌گفت: مستی علت مرگ و موت محمد بود. خلاصه آنکه در تمام قرون وسطی محمد در نظر اروپائیان بعنوان فردی کذاب، عامل شیطان، دیوانه و... شناخته شده بود.

دوران توجه و تردید

در قرن ۱۲ میلادی، پنج قرن بعد از طلوع اسلام - پیرلونا رابل - اولین کتاب را بر ضد اسلام نوشت و برای اولین بار قرآن به زبان لاتین ترجمه شد. در قرن ۱۴ - پیر پاسکال - و دیگران قضاوت‌های دو پهلوئی را درباره اسلام ارائه نمودند. در نهایت می‌توان گفت در این دوران غرب توجه به وحی و مسائل آن نمود اما توجه آنها نتیجه مثبت یا منفی را به همراه نداشت.

دوران تحقیق و تجلیل

در سال (۱۷۳۴ م) جرج سیل - ترجمه انگلیسی قرآن را منتشر کرد. وی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را با - نیوماوتروس - مقایسه می‌کند. قبل از او - دوبولنوبلیه - کتاب زندگانی محمد - را می‌نویسد. وی محمد را مردی خردمند و قانونگذاری روشنفکر معرفی می‌کند، که خواسته است یک آئین منطقی و عقلانی بجای معتقدات یهودیت و مسیحیت بیاورد. ساواری - مترجم کلاسیک قرآن حضرت محمد را یک شخصیت استثنائی تاریخ معرفی می‌کند که هادی بشر به شاهره‌های رستگاری و سعادت است. وی افکار حضرت محمد را پذیرفته بود. اما نبوت را انکار می‌کرد بعد از وی - کارلایل - بر مبنای فلسفه اشراقی خود، محمد را یکی از شخصیت‌های بزرگ جهان دانسته می‌گوید: او خود مظهر و نشانه حیات خلاقانه خداوند می‌باشد. نتیجه اینکه در این دوران متفکران و دین پژوهان غربی تا حدودی با شخصیت حقیقی و حقوقی محمد آشنا شدند از اینرو دوران عناد و تردید سیر افولی را در پیش

می‌گیرد.

دوران تفهیم و تقریب

در قرن بیستم تحقیقات درباره شخصیت رسول اکرم گستره بسیار وسیعی یافت. افرادی مثل گوستاولوبون و نولد که، در این زمینه تلاش فراوانی را متقبل شدند. در عصر حاضر نیز افرادی مثل تورآندرائه، امیل در منگام، بلاشر و منتگمیری وات تحقیقات وسیعی پیرامون شخصیت رسول و کتاب و شریعت او نموده‌اند. توجه به آنچه در صفحات قبل گذشت اینست که تفکر غرب نسبت به وحی از سیر تکاملی برخوردار بود. چرا که آنها را از مرحله عناد به فهم رهنمون کرد. آنها خواسته یا ناخواسته، این حقیقت را درک نمودند که عقل بشری، بدلیل محدودیت قلمرو فهمش به تنهایی توان کشف و دسترسی به همه معارف دینی را ندارد. از اینرو آنها در جهت فهم وحی بعنوان منبعی برای کشف معارف دینی برآمدند. تا معارف و حقایق ماوراءالطبیعی جهان هستی را از این راه دریافت نمایند. نتیجه شناخت غربیها در زمینه وحی آن شد که در فرهنگ دینی آنان دو دیدگاه درباره وحی شکل گرفت. دیدگاه نخست: دیدگاه، کلاسیک که از نظر زمانی پیشینه بیشتری دارد و معتقد است خداوند یک سلسله گزارهای خطاناپذیر را که از راه عقل نمی‌توان بدان دست یافت به بشر القاء کرده است. این گزاره‌های صادق و حقیقی، محتوی وحی الهی را تشکیل می‌دهد. این دیدگاه در قرون وسطی حاکم بود و از سوی برخی نحله‌های کاتولیک پروتستان و کاتولیک رومی حمایت می‌شد و (تلقی شناختاری و زبانی از وحی) نام گرفت در این نگاه وحی خبررسانی است. به گفته دائرةالمعارف کاتولیک: وحی را می‌توان به انتقال برخی حقایق از جانب خداوند به موجودات عاقل از طریق وسائلی که ورای جریان معمول است، تعریف نمود در این نظر وحی از مدل مبتنی بر گفت و شنود پیروی می‌کند. و خدا خویشتن و داشته‌هایش را از طریق سخن گفتن با ما، آشکار و اعلان کرده است. ایان بار بور در این باره می‌گوید: حقایق و حیانی شامل پیامی است که خداوند از طریق مسیح و سایر پیامبران ارسال می‌دارد و در کتب مقدس و سنن اولیای دین مدون می‌گردد. دیدگاه دوم: در این دیدگاه وحی انکشاف خویشتن خداوند است، وحی در وقایع اصیل و تاریخی برای انسان رخ داده و نوعی دخالت خداوند بوده است. این وقایع نمودار تجربه انسان از خداوند در لحظات مهم تاریخ او است. بنابراین تجربه انسانی و انکشاف الهی دو جنبه از یک واقعیت و حیانی‌اند. در این نظریه وحی از مدل مبتنی بر تجلی پیروی می‌کند. به بیانی دیگر وحی تجلی و حضور خدا در تجربه عرفانی و دینی بشر است. این تلقی که هم اکنون در غرب اعتبار بیشتری دارد سبب تحولات گوناگونی در تلقی تجربی و تاریخی از وحی شد. این تحولات، ریشه در اندیشه مصلحان دینی قرن شانزدهم یعنی لوترو کالون دارد نظریه شلاپیرماخرو هگل را می‌توان دو تحول عمده دیگر در این حوزه تلقی نمود. ماخر، وحی را با انکشاف نفس خداوند در تجربه دینی یکی دانست. به عقیده وی «آگاه شدن به وابستگی مطلق که در درون انسان است» وحی نامیده می‌شود. با طرح دیدگاه وی که به - تجربه دینی - شهرت یافت. گستره ای جدید، از مسائل در حوزه و قلمرو دین پژوهی جای گرفت. تا آنجا که دین همواره امری تجربی تلقی شد و کم‌کم نگرش گزاره‌ای مثبت به دین، از عرصه تحقیقات دین‌شناسی کنار رفت. در اواخر قرن هیجدهم ماخر با ارائه الهیات ثبوتی - (طرح تئوری تجربه نبوی) بر آن شد تا تجربیات دینی را تجزیه و تحلیل نماید و ذات دین را از تجارب دینی به دست آورد. در اعتقاد وی جوهر دین چیزی غیر از احساس و توکل بود. او قلب و هسته دین را تجربه دانست و اعلام کرد که خدا یک فرضیه نیست بلکه برای موءمن یک تجربه است. تجربه ای زنده که در قلب فرد دین دار می‌تپد. سالیانی سپری شد و حدود یک قرن بعد از مرگ «ماخو» رودولف اتو (۱۸۶۹-۱۹۳۷) با دقت در اندیشه‌های وی، عظمت دیدگاهش را کشف کرد، سپس ویلیام جیمز، استیس، پراودفوت، استیفن کاتس، سوئین برن، ایلینگ، پل تیلیش، کی‌یر که گارد گامهای موءثری در احیا و استمرار تفکرات وی برداشتند، نگاه پدیدارشناسانه ماخر و همفکرانش به تجربه دینی، و ارائه نظرات گوناگون در تفسیر وحی و ایمان را می‌توان تلاش جدید متألهان در ارائه تصویر تازه ای از وحی تلقی کرد. پدیده ای که در اسلام

از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. و قدمتی به بلندای عمر اولین آیات نازل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد. آری آنان پیرامون مسائل قابل طرح در قلمرو وحی شناسی به تحقیق پرداختند. وحی چیست؟ آیا صرف مواجهه پیامبر با خدا است؟ نقش پیامبر در نزول وحی چه بود؟ آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام رویارویی سخنی از خدا شنید؟ کیفیت رویارویی پیامبر با وحی چگونه بود؟ و در نهایت آیا زمینه برای نزول وحی فراهم بود؟... درباره مسئله نخستین وحی از زمان نزول اولین آیات الهی دو دیدگاه مطرح بود. دیدگاه نخست: هنگام نزول وحی نخستین، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از آمادگی کافی بهره مند نبوده است. از این رو رسول الله شک کرد که شاید جنون بر او عارض شده یا اینکه شیطان، تسویلات خود را به عنوان وحی بر او القاء کرده است. مبنای این دیدگاه روایتی است که در کتب روایی و تاریخی عموماً، و در کتب روایی اهل سنت خصوصاً نقل شده است. دیدگاه دوم: بر مبنای این دیدگاه وحی از طرق مختلفی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل می شد. پیامبر هم با یقین به اینکه آنچه در غار حراء - نخستین وحی - بر او نازل شد. وحی است و با-بینه - آنرا دریافت می نمود، و هیچ گونه تردیدی به خود راه نداده است. این دو تفکر و ابهامات بسیاری که از آن دو بالیدن گرفت مدتها محور بحث دین پژوهان در حوزه وحی شناسی بود. و همانطور که اشاره شد در قرن هجدهم با ظهور تجربه دینی، غربی ها در پی ارائه تصویر تازه ای از وحی برآمدند. و دو تفکر نسبت به سرشت وحی شکل گرفت ۱- تفکری که نافی وحی بود ۲- تفکری که مثبت وحی بود به نظمی رسید که دیدگاه نخست همان مبنای تجربه نبوی است. که وحی را مواجهه با خدای دانند در این دیدگاه وحی با تجربه پیامبر و حالات درونی او یکی است. چرا که وحی اخذ حقایق نیست بلکه وحی عنوانی برای اصل مواجهه است. این دیدگاه دو قرن مطرح بود تا اینکه در قرن بیستم اندیشمندان فلسفه زبان دیدگاه دیگری را درباره پدیده وحی مطرح کردند که به افعال گفتاری شهرت یافت. این دیدگاه از نظریه افعال گفتاری متأثر است که بیشتر در زمینه فلسفه زبان ظهور کرد. از جمله شبهاتی که درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و اصل رویارویی وی با وحی مطرح هست این است که، آیا زمینه ای برای نزول وحی فراهم بوده است یا نه؟ آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در همان مراحل آغازین وحی می دانست که آنچه بر او نازل شده سخن خداست، یا اینکه با تردید به آنچه نازل شده بود می نگریست؟ و... بر اساس برخی دیدگاهها هنگام نزول وحی پرده ها از دیدگان پیامبر کنار زده می شد. و حقائق عالم ملکوت به عینه برای پیامبر کشف می شد. چرا که تجلیات نوری او را دربر می گرفت تا حضرت فارغ از عالم ماده شود و حقیقت وحی را دریابد. چه این که وحی ثمره القاءات نفس رسول بر وی یا دیدن شیء از راه دور نبود. تا احتمال خطا در آن باشد. بلکه مشاهده حقیقت عینی بود که اشتباه در او راه ندارد. علاوه بر اینکه از باب لطف بر خدا واجب است تا نبی و رسول را از قوای ادراکی کاملی بهره مند سازد. تا در دریافت و تبلیغ وحی مطابق واقع عمل نماید. پس نبی در احکام شریعت از مقام عصمت بهره مند است. عصمت در این مقام تنها به معنای دوری از ارتکاب معصیت و گناه نیست. بلکه مصونیت از هر گونه خطا در اخذ وحی و ابلاغ آن و عمل در فعل و گفتار در این دیدگاه از جمله شاخه های عصمت انبیاء است. این امر در بین اُمتهای اسلامی نیز اجماعی است اگر چه میان آنها تفاوتی در قلمرو عصمت وجود دارد. ابن تیمیه عصمت در اخذ و تبلیغ وحی را اینگونه بیان می کند. آنچه نبی از خدا خبر می دهد دروغ نیست، چراکه آنچه خدا از آن خبر می دهد دروغ نیست آنچه نبی خبر می دهد باید صادق باشد بر آنچه که خدا از آن خبر می دهد. خبر باید با مخبر مطابقت داشته باشد. و مخالفت عمدی یا سهوی نداشته باشد. این سخن، معنای قائلان به عصمت انبیاء در تبلیغ «ما اخذ عن الله» است. وی در جایی دیگر می گوید: قبول آنچه نبی گفته، واجب است، چون نبی است و ادعای نبوت کرده است. معجزات هم دلالت بر صدق نبوتش دارند، علاوه بر اینکه نبی، معصوم است. قرآن با بیانات مختلفی نسبت اشتباه در وحی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نفی می کند. از آن جمله: الف: در گروهی از آیات بحث عصمت گفتاری را مطرح می فرماید. در سوره نجم می فرماید: «وما ینتطق عن الهوی، ان هو الا - وحی یوحی» از این آیه استفاده می شود که سخنان پیامبر در مقام گزارش از وحی عین وحی بود در واقع، متن خود وحی را به دیگران انتقال می دهد. حال اگر آیه دوم از سوره یوسف را به

آیه فوق ضمیمه کنیم که می‌فرماید «اَنَا انزلناه قرآناً عربياً...» به یقین می‌توان گفت: همین قرآن عربی به وصف «عربی بودن» متن وحی است. مؤید کلام ما سخن وحی است که می‌فرماید: و كذلك اوحينا اليك قرآناً عربياً لتتذرع القرآن من حولها وتذرع يوم الجمع لا ريب فيهما من آية استفادة می‌شود که وحی نازل بر رسول به زبان عربی بوده و پیامبر (علیه السلام) با همین قرآن دیگران را انداز نمود. نتیجه حاصل از بحث این است که الف: پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در تلقی وحی و تبلیغ آن از عصمت بهره مند بوده است. لذا هرگز در دریافت وحی شک و تردید عارض پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نشده است. ب: زبان وحی جدای از خود وحی نخواهد بود. تجربه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هم وحی نبود بلکه وحی همان کتاب است. قرآن می‌فرماید: اَنَا انزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون، و كذلك اوحينا اليك قرآناً عربياً نه تنها قرآن عربی است، بلکه وحی قرآن هم عربی است. قرآن کتاب وحی است و عربی است. پس وحی تنها تجربه نبوی نیست بلکه القای حقایقی در قالب جملات معنادار از زبان عربی به پیامبر است به عبارتی، زبان وحی در کتاب وحی تجلی یافته و در متن خود وحی قرار دارد. در اسلام وحی خدا سخن گفتن او با پیامبر است. «و کلم الله موسى تكليماً» از این رو پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در اسلام واسطه در نزول وحی است، وحی را از خدا می‌گیرد و ابلاغ می‌کند. آری در جریان دریافت وحی تجاربی و حیانی نیز برای او حاصل می‌شود. خداوند می‌فرماید: ما محمد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم و در موضعی دیگر می‌فرماید: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك پس حقیقت دین و وحی، نه تجربه درونی و نه تجربه بیرونی پیامبر است. بلکه حقیقت آن چیزی است که خدا نازل کرده است: در جریان نزول وحی، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تابع وحی بود نه آنکه وحی تابع پیامبر باشد از این رو گاهی با وجود شوق و تمنای شدید پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، نزول وحی قطع می‌شد. برای مثال مطابق آنچه در بسیاری منابع آمده، بعد از نزول سوره علق، مدت سه سال وحی قطع شد. در حالی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به شدت غمگین بود. تا اینکه سوره مدثر نازل شد. یا پس از داستان افک نزول وحی یکماه به تأخیر افتاد، تا اینکه آیات سوره نور نازل شد. در حالی که منافقان ناموس پیامبر را متهم به بی‌عفتی کرده بودند و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در فشار روحی بسیار شدید به سر می‌برد، سؤال این است که اگر وحی تابع پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بود. چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نتوانست کاری کند که وحی نازل شود؟ جز این است که نزول وحی در اختیار او نبوده است بلکه نزول و انقطاع وحی تابع اراده خداوند بود.

پاورقی

[۱] الفتوحات المکیه، جلد ۲، صص ۵۸ و ۷۸.

[۲] همان ج ۳، ص ۲۵۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بأموالكم وأنفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

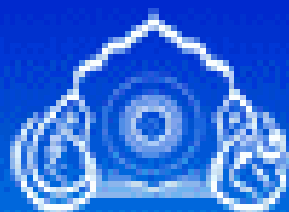
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

